

تا چه اندازه می توان بررسی های پزشکی را معتبر دانست؟

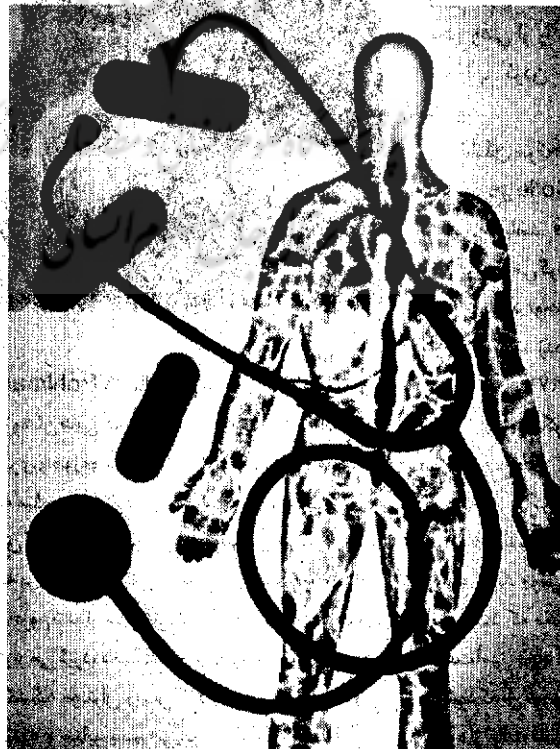


دکتر امیر غفاری

اطلاعاتی دستکاری شده را از پرونده های قبلی ارایه می داده که پیش از آن، در مطبوعات معتبر پزشکی نتایج واقعی آن پژوهش ها را منتشر کرده بوده است. او بعداً توسط اولیای هاروارد بازجو می شود و اعتراف می کند که برای من یادآوری این که چگونه وارد این مسائل شدم خیلی مشکل و دردآور بود. در ۱۳ مارس ۱۹۹۵ رییسش به او دستور می دهد آنچه را که اطلاعات مشکوک خوانده شده، همین بنام

در جوامع بشری عادتاً مردم به پزشک و پزشکی اعتماد زیادی دارند تا جایی که برای این که مهر تایید به گفته خود بزنند، می گفته اند که "دکتر گفت" و این کافی بود تا مخاطب صحبت گوینده را بپذیرد. متأسفانه اخیراً آشفتگی هایی در عالم پزشکی ظاهر شده است که اگر ادامه پیدا کند اعتماد مردم به دستگاه عظیم طب و طبابت متزلزل خواهد شد. در حال حاضر آن چه که سبب این سلب اعتماد شده و می شود، اطلاعاتی است که

ولی او تمکین نمی کند و در محاکمه های اظهار می دارد که من کاری کرده ام که از آن بدتر نمی شد. او به بایگانی پرونده های پزشکی می رود و پرونده های تعدادی از بیماران را بیرون می کشد و به منظور سرپوش گذاشتن بر دروغ هایی که گفته است، با شتاب زیادی اطلاعاتی که قاعدتاً تاییدکننده ی آنچه که او پژوهش نامیده است می بود، در آنها می نوشته است. او در محاکمه اش می گوید من اطلاعات را خلق کردم و بعد هم آنها را پخش نمودم. همچنین بیمارانی را که وجود خارجی نداشتند خلق کردم. آن شب وقتی به منزل آمد همسرش متوجه می شود که به گونه ی غیر قابل کنترلی گریه می کند. روز بعد او یک وعده ی ملاقات فوری با روانپزشک خود ترتیب می دهد ولی حقیقت را از او کتمان می کند تا ده روز پس از آن به دروغ گفتن ادامه می دهد. او مدارکی را که در آنها دست برده بود به رییسش تحویل می دهد و سرانجام هم ناچار به اعتراف می شود. اول از همه به همسرش و بعد به روانپزشک خود و بعداً به همکاران و مدیر دیارتمان. آقای دکتر فریدمن رسماً اعتراف می کند که مقالاتش را پس می گیرد و از همکارانش عذرخواهی می کند. در حال حاضر او شغلش را از سر گرفته و در شرکت دارویی اورتو-



تحت عنوان پژوهش های پزشکی در مطبوعات منتشر می شود. اخیراً اطلاعاتی که در ایالات متحده به پشتوانه پژوهش های دروغین به خورد مردم داده می شود خیلی زیاد شده است. مطالب مستدل و بی سابقه ای در مطبوعات و اینترنت دیده می شود که بر همین موضوع تکیه دارد. یکی از همین دست پژوهشگران دکتر Andrew Friedman می باشد. او جراح زبردست و پژوهشگری سرشناس است که در بیمارستان زنان و دانشکده پزشکی دانشگاه هاروارد به کار مشغول بوده است. در سه سال گذشته او

ماک نیل (یکی از شعبات شرکت جانسون اند جانسون) مدیر قسمت پژوهش های کلینیکی می باشد. مورد او مجموعه ای از انبوه مدارکی را تشکیل می دهد که به بلندی دو متر روی هم چیده شده است و در سازمان نظام پزشکی ماساچوست نگهداری می شود. خود موضوع نیز بیش از آن چه که ممکن است مردم تصورش را بکنند عمومیت دارد. سال گذشته در آمریکا اعلام نتایج غیر واقعی که در حقیقت با دروغ و دغل همراه بوده اند به بیشترین حد خود رسیده است. تعداد ۲۷۴ شکایت به اداره بهداشت و خدمات انسانی واصل شده که ۵۰ درصد بیشتر از سال ۲۰۰۳ می باشد و نسبت به سال ۱۹۸۹ بیشترین بوده است. در آن سال دولت فدرال برنامه مقابله با پژوهش های دغل کارانه را اعلام کرده است.

مدیر دفتر صحت پژوهش ها که تحت نظر دولت فدرال عمل می کند، گفته است که با داشتن

که شامل ساختگی بودن پژوهش، جعل کردن و جا زدن اثر دیگران به نام خود می باشد. در یک نظرخواهی که در ۹ ژوئن در روزنامه Nature منتشر شد ۱/۵ درصد از تعداد ۲۲۴۷ پژوهشگر که به سوالات جواب داده اند اعتراف کرده اند که یا تقلب کرده و یا اثر دیگران را به نام خود منتشر نموده اند (یکی از سه نفر به نوعی به کار ناشایست دست زده اند) بعضی از آن موارد نیز جزو اخبار صفحه اول روزنامه ها منتشر شده است. در ۱۸ جولای، یک پژوهشگر مشهور تئذیه به نام Eric Pohlman در دادگاه فدرال در ورمونت محکوم می شود. جرم ثابت شده ی او این بود که به خاطر دریافت وجوهی به مبلغ ۵۴۲ هزار دلار که دولت فدرال در اختیار پژوهشگران گذاشته بود، اقدام به انتشار نتایج غیر واقعی و ساختگی پژوهش ناکرده می کند. او در آن هنگام پروفیسور دانشکده پزشکی ورمونت بوده است. وی به پنج سال زندان محکوم می شود. آقای ۹۴

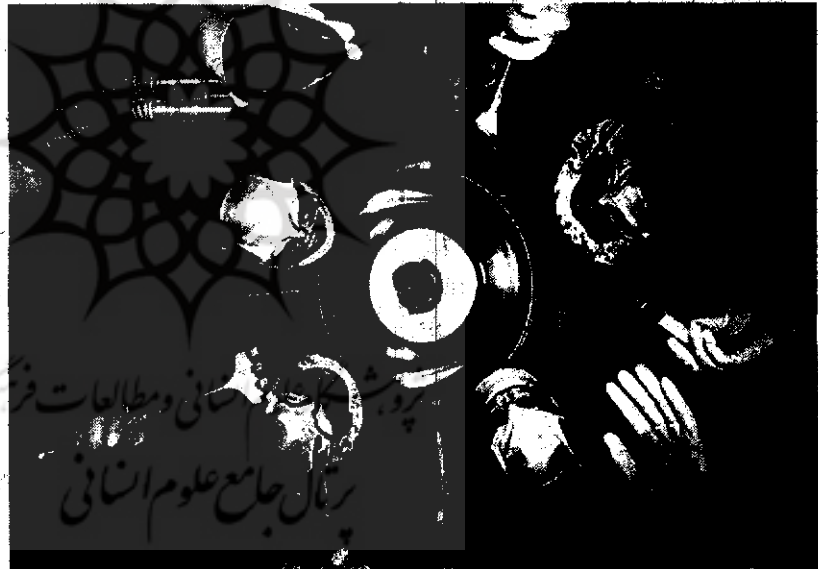
می کنند که از سوابق او مطلع نبوده اند و او در ژانویه پس از پایان قراردادش استعفا می نماید. خیلی جالب است بدانیم که آقای Pohlman به زبان فارسی نیز تکلم می کند و تا قبل از انقلاب در جنوب تهران به کار تدریس زبان می پرداخته است.

دکتر Cray Kammer استاد روماتولوژی دانشگاه Wake Forest و سرمتخصص Lupus دو خانوادگی مجازی را البته با مشکلات سلامتی آنها (آن هم مجازی) تحت پژوهش قرار می دهد و به خاطر همین پژوهش غیر واقعی نیز فرم درخواست بودجه ی مربوطه را به دولت فدرال ارسال می نماید. او نیز سرانجام رسوا می شود و از دانشگاه استعفا می دهد و به مدت سه سال از استفاده از چنین بودجه ای محروم می گردد.

در نوامبر سال ۲۰۰۴ ماموران رسمی دولت فدرال متوجه می شوند که دکتر علی سلطان، پژوهشگری که در دانشکده بهداشت عمومی دانشگاه هاروارد به خاطر تحقیقاتی در مورد بیماری مالاریا جایزه ای هم دریافت کرده بود، اقدام به انتشار اثر دیگران به نام خود کرده است و اطلاعاتی که منتشر نموده غیر واقعی و تقلب آمیز است چنان که طبق نتایج به دست آمده نوعی از مالاریا را به پای نوع دیگری از این بیماری گذارده است و این کار را برای استفاده از بودجه دولتی که برای پژوهش درباره نوعی داروی ضد مالاریا منظور شده بود انجام داده است. وقتی او را به دادگاه کشانند سعی می کند گناه را به گردن یک دانشجوی دوره تخصصی بیندازد.

سلطان سرانجام استعفا می دهد ولی اکنون عضو دانشکده Weill Cornell Medical College در قطر می باشد. قضیه ی این قبیل تقلبات به ده ها سال قبل برمی گردد که دانشمندان در مواردی که موضوع مورد توجه عموم بود، دست به این قبیل کارهای ناپسند زده و مرتکب تقلب می شوند.

در سال ۱۹۷۴ دکتر ویلیام Summerlin یکی از پژوهشگران عالی رتبه انستیتوی بسیار معروف سرطان Sloan-Kettering که از معروفترین مراکز مطالعات درباره سرطان می باشد، از یک قلم نشانه گذار استفاده می کند. برای این که پوست سفید موشی را با لکه سیاه جلوه گر سازد و وانمود کند که تکنیک جدید او برای پیوند پوست موفقیت آمیز بوده است. مورد این دانشمند سبب می شود که آل گور و یک نماینده دموکرات جوان دیگر کنگره از ایالت تنسی برای اولین مرتبه او را در برابر



Pohlman ۴۹ ساله بین سال های ۱۹۹۲ و ۲۰۰۰ پژوهش هایی در زمینه موضوعاتی مانند یائسگی، پیری و هورمون انجام می دهد و انگیزه ی او دستیابی به میلیون ها دلاری بوده است که دولت فدرال برای این کار اختصاص داده بود. او اولین پژوهشگری است که برای تمام عمرش از شرکت در چنین برنامه هایی محروم شده است. وقتی در سال ۲۰۰۱ تحت بازجویی قرار می گیرد دانشکده پزشکی را ترک می کند و در دانشگاه مونترال رییس کرسی یک میلیون دلاری تغذیه و متابولیسم می گردد. اولیای امور اظهار

۲۸ نفر کارمند و ۷ میلیون دلاری بودجه ی سالانه هرگز نتوانسته اند با به پای این گونه ادعاهایی که بر مبنای پژوهش ها وانمود می شوند اقدام کنند. چنان که در سال گذشته فقط به ۲۳ مورد آنها رسیدگی شده است و از میان آنها ۸ نفرشان گناهکار شناخته شده اند. یعنی اعلام شدن این پژوهش ها جز حقه بازی چیز دیگری نبوده است. در ۱۵ سال گذشته این دفتر توانسته ۱۸۵ مورد تقلب پژوهشی را ثابت کند. دفتر یاد شده معتقد است که تازه این رقم در برگیرنده تعداد کمی از این گونه پژوهش هاست

کمیته تحقیق کنگره قرار دهند. از نظر آل گور این پژوهش‌ها براساس اهمیت علمی آنها و همچنین بر پایه اعتمادی است که مردم از خود نشان می‌دهند. در نتیجه محاکمه‌ی این شخص در کنگره قانونی در سال ۱۹۸۵ از کنگره گذشت. که بر حسب آن موسساتی که برای تحقیقات علمی از بودجه فدرال استفاده می‌کنند باید سیستمی برقرار نمایند تا هر گونه قانون شکنی را گزارش کنند.

یکی از استادان دانشگاه دولتی میشیگان به نام دیوید ریایت درباره‌ی این که چرا دانشمندان محقق‌بازی می‌کنند گفته است: چند دلیل اصلی برای این کار وجود دارد، بعضی اشکال اختلالات روانی مشهورت ناکافی و بیش از همه فشار بی‌اندازه ناشی برای انتشار نتایج پژوهش‌ها و به طوری که یکی دیگر از این پژوهشگران به نام فریدمن. که قبلاً هم از او صحبت کردیم، در جریان محاکمه‌اش در سال ۱۹۹۵ گفته است که ناتوانایی‌اش در رفع این فشار باعث سقوط او شده است. وقتی فریدمن دست به دغل کاری می‌زند سی ساله از فوچ کرده و دارای دو فرزند بوده است. پدر و پدر بزرگ او نیز طبیب و محقق بوده‌اند. او دانشیار دانشگاه هاروارد در بیماری‌های زنان و زایمان و بیولوژی بازفراوری (Reproductive) و همچنین رئیس نهارتمان غدد داخلی برای بازفراوری در Brigham و بیمارستان زنان بوده است. او شهرت خیلی زیادی داشت و کارهایش مبتکرانه بود. در شرح حال ۴۰ صفحه‌ای او دریافت جوایزی متعدد و همچنین افتخارات دیگری نیز به چشم می‌خورد. سخنرانی‌هایی در کانادا، اروپا و استرالیا برگزار کرده بود و بیش از ۱۵۰ مقاله، کتابه فصلی از کتاب‌ها یا یازینی و خلاصه مقاله منتشر کرده بود که از میان آنها ۵۸ مورد درباره تحقیقات اصلی به شمار می‌روند که برای آنها طرح پژوهشی و یا بررسی‌های کلینیکی انجام داده بود. بیمارانی را تحت نظر گرفته و اطلاعات لازم را از آنها جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل می‌نمود و نتیجه‌گیری می‌کرد، ولی سرانجام فریدمن به آنچه که بازرسان کشف کردند اعتراف می‌کند که او برای سه روزنامه‌ی مختلف اطلاعات جعلی می‌فرستاده است. یکی از آنها که شامل درمان هورمونی بیماری‌های زنانه بوده است هرگز منتشر نشد.

او در محاکمه‌اش می‌گوید که در هفته ۹۰-۸۰ ساعت کار می‌کرده است: دو روز در هفته بیماران را در مطبش می‌پذیرفته، یک روز در هفته عمل

می‌کرده، ززیدنت‌های پزشکی را سرپرستی می‌کرده و در جلسات حدود ۱۰ کمیته مختلف پزشکی در بیمارستان و در دانشکده پزشکی شرکت می‌کرده است و همچنین در کنفرانس‌های طبی داخل کشور سخنرانی می‌کرده است.

وی به یک روانپزشک مراجعه می‌کند که به او توصیه می‌کند کارش را کم کند. او از ریسیس کمک می‌خواهد ولی وی به او توصیه می‌کند به پژوهش‌هایش بپردازد و با کم کردن تعداد بیماران موافقت نمی‌نماید. به همان اندازه که فریدمن دکتر، جراح و پژوهشگر خوبی بود، حقه‌باز بدی هم بود. یکی از وسایل سقوط او این بود که وی امضایی را که برای بیماران دروغین خود به کار می‌برد، همان امضایی بود که از آن در نامه‌هایش به ززیدنت‌ها و همین طور به همکارانش که در برنامه شرکت نداشتند استفاده می‌کرد. برخلاف بعضی همکارانش که به مخفی دستگیر شدن اقدام به طرح شکایت از دستگیر کنندگان می‌نمایند، فریدمن پشیمان شده بود و از هر دو سمت خود در Brigham و زنان هاروارد استعفا می‌کند.

وی در سال ۱۹۹۴ برای مدت سه سال از شرکت در برنامه‌های تحقیقاتی که از بودجه دولتی تغذیه می‌شوند معزوم می‌گردد. او مشاور کمپانی‌های نازوسازی می‌شود و ده هزار دلار به عنوان جرمه به ایالت مساجوست می‌پردازد و پروانه طبابتش او را نیز برای مدت یک سال لغو می‌نمایند. او عضو بنیاد فعال طبیب سرخ آمریکا می‌شود و بیش از ۵۰۰ ساعت وقت خود را صرف ایراد سخنرانی‌هایی درباره اخلاق پزشکی و چگونگی نگهداری پرونده‌های پزشکی می‌نماید. ولی هرگز نتوانست خسارتی را که به جامعه وارد کرده بود ترمیم کند. وی قیمت گرانی بابت آنها پرداخت: مناصب آکادمیک او تخریب شد، شهرتش لکه‌دار شد و بدون وقفه خود را سرزنش می‌کرد.

در سال ۱۹۹۹ مجدداً اجازه طبابت او را تفویض کردند و او به عنوان مدیر قسمت بهداشت زنان در شرکت دارویی Ortho-McNeil مشغول به کار شد. اخیراً در روزنامه‌ها و تلویزیون نیز به فعالیت پرداخته است و به سوالات مربوط به بی‌آزار بودن مشمع‌هایی که برای کنترل موالید مصرف می‌شوند صحبت می‌کند، ولی سوال اینجاست که آیا شنوندگان به نظرات او اعتماد می‌کنند؟ بعید نیست چون به طور کلی جامعه فراموشکار است. جالب اینجاست که شرکتی که او را به خدمت گرفته است

می‌گوید: "به سوابق او کاملاً آشناست. او پزشک عالیقدری است و به شرکت ما اعتبار زیادی می‌دهد!" جل‌التخلاق... در این شرح احوال به خوبی درمی‌یابیم که وقتی پول به تنهایی قدرت مافوق حکومت را تشکیل می‌دهد، چگونه حتی دانشمندان بزرگ و مشهور نیز به راحتی تحت انقیاد آن در می‌آیند و حاضر می‌شوند به هر قیمتی حتی در ازای گمراهی و سردرگم کردن مردم به آن منبع قدرت دست یابند.

نظراتی که از سوی چنین دانشمندانی با بوق و کرنا و از طریق کانال‌های گوناگون، مردم معمولی و غالباً بیمار را به شدت مغزشویی می‌کنند، سلامتی مردم را به راحتی به خطر می‌اندازند و چه بلایی که به روز این بینوایان خواهند آورد. بنابراین تعجبی ندارد که یک روز شاهد تعریف و تمجید اغراق آمیز دارویی می‌شویم و روز دیگر با همان شدت و حدت آن دارو را جمع‌آوری می‌کنند و مجدداً روز دیگر مزده می‌دهند که همان دارو به ویتترین داروخانه‌ها برگردانده شده است!! حیف است که صفحات زیادتری را به ذکر نمونه‌ها اختصاص بدهیم، کافی است که از یکی از این داروها مثل Vioxx نام برده شود. تازه‌ترین رویدادی از این تیپ پژوهش‌ها که بر ما شده است، گزارشی است که در روزنامه‌ی گازت مونترآل به تاریخ ۱۴ ژانویه ۲۰۰۶ آمده است و آن پژوهش‌های علمی-پزشکی؟! است که توسط Hwang Woo-Suk پژوهشگر کره جنوبی درباره سلول‌های پایه (Stem Cell) انجام گرفته است.

مطالبی را که ایشان در سال‌های ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵ در این باره منتشر کردند سبب شد تا مقامات کره جنوبی او را "باعث افتخار کره" معرفی نمایند ولی سرانجام روشن شد که تمامی این پژوهش‌های افتخار آمیز!!! جز دروغ و دغل و حقه‌بازی چیز دیگری نبوده است. او اجباراً در تلویزیون ظاهر شد و رسماً عنرخواهی نمود و البته گناه را هم متوجه همکارانش کرد. در هر حال این دغل‌بازی آن قدر بر خلاف واقع و شرم‌آور بوده است که مدعی العموم، او و تمامی همکارانش را ممنوع‌الخروج کرده است و احتمالاً او را به ده سال زندان نیز محکوم خواهند نمود.

لازم است بدانیم بودجه‌ای که برای این پژوهش‌ها در اختیار او گذارده بودند ۴۸/۶ میلیون دلار کانادایی بوده است و به این مبلغ باید ۵ میلیون دلار دیگر را نیز که شرکت‌های خصوصی اختصاص داده بودند اضافه کرد.

خداوند عاقبت همه را به خیر کند.